

اگر آماده فدا کردن جان نیستی، دعوت به فدا سازی جان و خون کسی مکن!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۸ ساعت ۱۳:۰۳



”گر مرد رهی میان خون باید رفت - وز پای فتاده سرنگون باید رفت

تو پای به راه در نه و هیچ مپرس - خود راه بگویدت که چون باید رفت!”

- عطار نیشابوری

تاریخ چندین هزار ساله کشورمان بهترین گواه است که ”خون میهن پرستان بوده است که درخت کهنسال ایران را آبیاری

کرده و تا به امروز آن را زنده نگه داشته است." امروز نیز بروال گذشته، خون میهنپرستان است که ایران را از چنگال رژیم دست نشانده بیگانگان رها خواهد ساخت که شوربختانه بدون هیچ گمانی، بدون فداکاری ها و خون ها و اشک های فراوان میسر نمی شود، زیرا که روضه خوانان در تاریخ معاصر ایران نشان داده اند که نه تنها عاری از هرگونه وجدان و انسانیت و پابندی های اخلاقی می باشند، بلکه بخاطر نهاد ایرانستیزانه اشان و تنفر از ایران و ایرانی، از "ایرانی کشی" دریغ نخواهند کرد!

بهر روی، در چند روز گذشته شاهد بوده ایم که ایران باری دیگر در دریایی از خون غوطه خورده و گل های نازنین ایران بدست رژیم غوغاسالار مذهبی و عوام زورمندش در حال پرپر شدن می باشند. نیز هر روزی که می گذرد ده ها جان بیگناه دیگر گرفته شده و صدها دیگر آزادخواه به شکنجه ها و سیاهچال های رژیم سرازیر می شوند. ولی همانگونه که آن گرامی جانان، با چنین شجاعتی، دلاورانه در برابر استبداد مذهبی و آزادی ایران بپاخاسته اند، ایرانیان برونمرز نیز وظایفی دارند که بایستی بنحو احسن آن ها را انجام دهند (تکرار مکررات نمی شود زیرا که در نوشته [۱] دیگری ذکر شده است [۲]). یکی از این وظایف، پافشاری مستمر و سفارش به آزادی خواهان است که بایستی در نگهبانی و پاسداری از جان خویش و دیگران همسنگران کوشا باشند. ولی شوربختانه در چند روز گذشته تنی چند ایرانی سرشناس ساکن برونمرزها که مانند این نگارنده بخاطر حاکمیت خون و خشونت در ایران وادار به ترک میهن شده اند، این پروانه را بخود داده اند تا از هم میهنان در بندشان دعوت کنند تا نه تنها از خون و جان و هستی اشان مایه بگذارند، بلکه از مادران و پدران آنان نیز خواسته اند تا از جان و خون فدا کردن فرزندانشان جلوگیری نکنند! این در حالیست که خود در پناه امنیت و آسایش غرب در کنار جگر گوشه هایشان به زندگی خود ادامه می دهند!

این درخواست و دعوت غیرمنصفانه و تهنی مغزانه "جان و خون فدا کردن" نه تنها یک حرکت غیرانسانی و مهمتر غیرایرانی می باشد، بلکه چنین شخصی نمی تواند یک میهن پرست که قلب و جانش مملو به عشق هم میهنانش باشد! زیرا که برای یک ایرانی میهن پرست جان یکایک ایرانیان پرارزش است و هر خونی که بر زمین ریخته شود، تبهکاری، پلیدی و جنایتیست که بر روی برگه های تاریخ ثبت می شود! بویژه آنکه یکی از شوندهایی [عللی] که یک میهن پرست به نبرد و مبارزه با رژیم خونخوار اسلامی برخاسته و بر می خیزد، پایان دادن به "ایرانی کشی" و کشتار هم میهنانش در ایران است! دو دیگر، دوری جویی از خشونت، یک ویژگی و خط متمایز کننده مبارزین و ایرانپرستان از رژیم ایرانستیز روضه خوانان که پایه ها و ستون هایش بری روی خون و خشونت بنا شده است می باشد. نیز جای اشاره داد که رژیم با ایجاد خشونت و آتش کشاندن اموال و دارایی های عمومی و خصوصی در تلاش است تا گناه را پای آزادیخواهان نویسد تا از این راه آنان را "شورش و خشونت زاد" به جهانیان و نیز هواداران رژیم خود بشناساند! از آن روی، میهن پرستان همواره نه تنها بر دوری جستن از خشونت و خونریزی پافشاری می کنند بلکه در پاسداری از جان و هستی همه [هم میهنانشان] را نیز سفارش می کنند، از جمله حتی اگر هم که جان یک پاسدار و بسیجی وابسته به رژیم باشد (در برگیرنده عوام زورمند: اراذل و اوباش نامی به گروه های فشار حزب الهی یا لباس شخصی ها، مکتبی ها، مداحان و نیز بویژه خود قشر روضه خوان نمی شود - زیرا که این عده، نه ایرانی می باشند و نه بویی از ایرانی بودن برده اند!).

بنابراین، روی سخن با آن چند تن است: "نخست، جان و خون فدا کردن یک گزینش است که مبارزان آن را برای خود برگزیده اند و کسی پروانه آن را ندارد تا از جان فدا کردن دیگران دعوت بعمل آورد! دوم، اگر براستی به جانفشانی و فداکاری خون باورمندید، پیشنهاد می کنم تا از هر طریقی که شده است خود و فرزندان را به ایران رسانده و در صفوف مقدم مبارزات ملی بایستید، تا در راه باورتان جان فدا کنید." دو دیگر، نیز با چنین حرکتی کسی دیگر نخواهد گفت که شما "میش هایی در لباس شیر" هستید، که با مایه گذاردن از جان فرزندان ایران، در پی آن می باشید تا پس از آزادی ایران از چنگال روضه خوانان و عوام زورمند، جاه و مقامی بدست آورید! راه و شیوه نبرد، "نشستن بر بالای گود و آوای لنگش کن سر دادن" نیست، بلکه وارد گود و میدان مبارزه شدن است!"

در هر روی، سرنوشت و آینده ایران، امروز در کوچه ها و خیابان های ایرانی بدست مبارزان جان برکف نوشته می شود و ایران آینده و آزاد، نیز متعلق به آنان خواهد بود!

فروغ اهورایی، همواره پاسدار و نگهبان ایرانزمین و ایرانیان باد.

شاپور سورنپهلو

روز خورداد از ماه آبان سال ۳۲۵۲ بهدینی

۳۰ آبان ماه ۲۵۲۸ شاهنشاهی

۲۱ نوامبر ۲۰۱۹ ترسایی

اگر آماده فدا کردن جان نیستی، دعوت به فداسازی جان و خون کسی مکن!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۸ ساعت ۰۳:۱۳

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

1 - سورنپهلو، شاپور. "آزادی ایران و ایرانی در گرو همبستگی ملی و بازگشت به اصل و آرمانهای ایرانیست-"
goo.gl/ArgCoR

2 - سورنپهلو، شاپور. "چگونه می توان رژیم جمهوری نوقاجاری اسلامی را سرنگون ساخت؟" - <https://bit.ly/2HDcPjQ>



اگر آماده فدا کردن جان نیستی، دعوت به فداسازی جان و خون کسی مکن!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۸ ساعت ۰۳:۱۳



اگر آماده فدا کردن جان نیستی، دعوت به فداسازی جان و خون کسی مکن!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۸ ساعت ۰۳:۱۳
